

اشک باز هم



اشک هفتم



اشک اول



اشک اول



# اشکانیان

اشکانیان ۲۲۰۰ سال پیش در ایران به حکومت رسیدند

علی اکبر زین العابدین  
تصویرگر: نگین حسین زاده



## زندگی روی اسب

اشکانیان از قوم پارت بودند. پارت یعنی: سواره و جنگجو... این پارت‌ها در چادر زندگی می‌کردند. از بس که به تیراندازی و سوار کاری و شکار علاقه‌مند بودند یادشان رفته بود که باید در یک خانه‌ی محکم‌تر زندگی کنند. اما اگر هم در خانه‌های معمولی زندگی می‌کردند، آن وقت، تیراندازیشان خوب نمی‌شد. یعنی نمی‌توانستند خدمت یونانی‌ها برسند. پس همان بهتر که در چادر و صحرا زندگی می‌کردند. این‌ها به قدری از تیراندازی و سوار کاری خوششان می‌آمد که می‌گفتند: «آدم خوشبخت کسی است که در جنگ و روی اسب بمیرد!»

## اشک‌های اشکانیان

لقب پادشاهان این سلسله، اشک بود. اشک اول، اشک دوم، اشک سوم، چهارم و پنجم... تا آخر. البته هر کدام از اشک‌ها اسم خودشان را هم داشتند مثلاً مهر داد، فرهاد، اردوان، بلاش. ولی چون اولین پادشاه اسمش اشک بود، بقیه هم دوست داشتند اشک باشند. اشک‌ها، حدود پانصد سال در ایران حکومت کردند. برای همین طولانی‌ترین سلسله‌ی حاکم در ایران هستند.

## خدا حافظی با یونانی‌ها

هفتاد سال قبل از اشکانیان، اسکندر یونانی به ایران حمله کرده بود. برای همین تا هفتاد سال به جای این‌که ایرانیان بر خودشان حکومت کنند، خارجی‌ها حاکم ایرانی‌ها بودند. نام سلسله‌ی یونانی در ایران سلوکیان بود. اشک اول با یونانی‌ها جنگید و آن‌ها را شکست داد. سلوکیان کم‌کم فهمیدند بهتر است بروند سر خانه و زندگی خودشان در یونان.



صورت بلاش  
موزه ملی ایران

## بازگشت خط ایرانی

نام اشک بیست و دوّم، بلاش اوّل بود. او زمانی که می‌خواست سگّه ضرب کند ( یعنی بسازد) دستور داد به خط و زبان ایران روی آن بنویسند. چون از زمان سلوکی‌ها روی سگّه‌ها را با خط یونانی می‌نوشتند.

ریتون با سر گریبی وحشی  
مکشوفه از گیلان

خط پهلوی اشکانی

خط پهلوی اشکانی

## شیوهی اداره‌ی کشور

اشکانیان مثل بقیّه‌ی امپراتوری‌ها، کشورشان را اداره نمی‌کردند. یعنی استان‌ها و سرزمین‌ها، کاملاً گوش به فرمان اشک‌ها نبودند. هر کدام از این سرزمین‌ها و استان‌ها حاکم جداگانه‌ای داشتند. آن‌ها فقط موقع جنگ‌ها به کمک اشکانیان می‌آمدند و به شاه مالیات هم می‌دادند. این حاکمان معمولاً چشم دیدن هم را نداشتند. عده‌ای گفته‌اند یکی از علّت‌های از بین رفتن اشکانیان همین بوده است.



دریای خزر

## قدرت گرفتن اشکانیان

مهرداد اوّل و دوّم از اشک‌هایی بودند که چند جنگ حسابی راه انداختند و وسعت کشور را زیاد کردند. اگر نقشه‌ی ایران را در آن زمان نگاه کنید، مثل یک آدم قوی و هیكل گنده است که انگار دست‌هایش را بالای کمرش جمع کرده. در این نقشه باید دریایچه‌ی خزر را به جای کله‌ی این مرد قوی تصوّر کنید.



## امپراتوری روم: یک دشمن جدید

حالا که یونانی‌ها رفته بودند، سر و کله‌ی یک کشور مردم آزار دیگر به نام امپراتوری روم پیدا شد. رومی‌ها یک فرماندهی خشن داشتند به نام کراسوس. این کراسوس خیلی پر ادعا بود. به دوستانش گفته بود «می‌روم ایران را تصرف کنم و ثروتشان را به چنگ آورم. آن‌ها خیلی ضعیفند.» کراسوس چند هزار سرباز بیچاره را برای حمله به ایران با خود آورد. یکی از فرماندهان شجاع ایرانی به نام «سورنا» که تازه از یک جنگ برگشته بود، خبر را شنید. او هم چند هزار سرباز ایرانی را آماده کرد تا در شهر حرّان به سپاه روم رسیدند. ایرانی‌ها سوار شتر و اسب بودند و همین‌طور که سواری می‌کردند، تند و سریع از تیر کمان‌هایشان تیر پرتاب می‌کردند. رومی‌ها بیشترشان پیاده بودند. سورنا با لشکرش بیست هزار رومی متجاوز را کشت. ده هزار تا هم اسیر کرد. بقیّه هم فرار کردند.

مجسمه‌ی سنگی مرد  
ارتفاع ۷۶ سانت



دریای پارس

